

گروه حوادث - بعد از سال‌ها جوانی که به جرم قتل رفیقش ۱۴ سال در زندان بود سخن گفتند.

۱۴ سال قبل، پدر شهاب با دلهره و نگرانی به کلانتری ملارد رفت و خبر از ناپدید شدن ناگهانی فرزندش داد. مرد میانسال می‌گفت که قرار بوده پسر جوانش با دوستانش به سفر برود و سابقه نداشته که تلفظش را جواب ندهد. با این اوصاف اولین کسانی که مورد ظن پلیس قرار گرفتند دو دوست شهاب بودند که آخرین لحظه‌ها را در کنار آنها گذرانده بود. دوستان شهاب به نام سیمین و علی بازداشت شدند و از برخورد اولیه پلیس از سر نوشت شهاب اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. اما ماضی نقیض گویی‌های آنها ظن مأموران را بیش از پیش نسبت به آنها زیاد کرد و سرانجام اعتراف کردند که جسد شهاب را دفن کرده‌اند. آنها در اعترافات خود گفتند که شهاب حین مصرف مواد مخدر اوردوز کرد و از ترس این که نکند گرفتار شوند او را دفن کردند.

با اطلاعاتی که متهمان در اختیار مأموران پلیس قرار دادند، جسد شهاب در بیابان‌های اطراف شهر کشف شد. سیمین و سیمین به قتل شهاب و با رأی دادگاه محکوم به پرداخت دیه دو سشت شدند. او به خاطر این که توانایی پرداخت دیه را نداشت، ۱۴ سال در زندان ماند و در روزهای کرونایی تقاضای تبدیل قبال بازداشت و به قرار وثیقه پذیرفته و آزاد شد و حالا با درخواست اعسار در پرداخت دیه بار دیگر به دادگاه آمد. ۱۴ سال از مرگ دوستش می‌گذرد اما هنوز نمی‌تواند در چشمش پدر و مسافر او نگاه کند. روی صندلی دادگاه می‌نشیند و دستانش به وضوح می‌لرزد. چند وقتی

هیست که طعم آزادی را چشیده، اما انگار با وجود پرونده قتل رفیقش که هنوز با آن دست به گریبان است این طعم آزادی زیاد هم به مذاقش خوش نیامده است. بعد از محاکمه دقایقی پای صحبت‌های سیمین نشینیم تا جزئیات ماجرا را از زبان خودش بشنویم.

۳۷ ساله‌ام. از وقتی یادم می‌آید کار کرده‌ام. هر کاری که فکرش را بکنید. از کارگری و بنایی و کار روی بیل مکانیکی گرفته تا یادگیری و کار در فروشگاه لوازم آرایشی. بده همین اعتیاد این همه سال گرفتارم کرد. با شهاب و علی از سفر برگشته بودیم و داشتیم در خانه علی مواد مخدر مصرف می‌کردیم که با می این پرونده باز شد. آن روز بعد از مصرف مواد مخدر حال شهاب بد شد. حالت تشنج به او دست داد. من خیلی ترسیده بودم اما سیمین خیلی کم بود و فکر می‌کردم اگر او را به بیمارستان ببرم همه می‌فهمند که ما با هم پای بساط مواد مخدر بودیم و گرفتار می‌شوم. پدر شهاب در نیروی انتظامی کار می‌کرد و با خود هم فکرمی‌کردم اگر ماجرا را بفهمد روزگرم سیاه می‌شود. برای همین تصمیم گرفتم دکتر بیابوم بالای سر شهاب. بعد با علی سرخار یک پزشک رفتم و از او خواستیم شهاب را ویزیت کند. اما هر قدر به او التماس کردیم قبول نکرد به خانه علی

بیاید و شهاب را معاینه کند. این قدر اصرار کردیم که گفت فقط می‌توانم چند دارو به شما معرفی کنم که به او بدهید، اما چند بار تأکید کرد که اورژانس خبر کنیم.

نه، برای این که خیلی ترسیده بودیم. داروهایی را که معرفی کرده بود گرفتیم و او دردم خانه تا بدیم شهاب بخورد، اما دیگر کار از کار گذشته بود و او تمام کرده بود. تصمیم گرفتیم او را دفن کنیم. می‌ترسیدم از این که خانواده‌هایمان بفهمند سر بساط مصرف مواد مخدر بودیم و از طرفی فکر می‌کردم اگر می‌فهمید مقرر مرگ شهاب می‌شود. برای همین ششانه جسد را به بیابان‌های اطراف شهریار بردیم و آنجا دفنش کردیم تا راز ماجرا فاش نشود. نه، من مطمئنم تمام کرده بود. مصرف نفیض را گرفتیم. دیگر نفیض نداشت. حاشش خیلی بد بود و خون بالا آورده بود. خانواده او حق دارند از من گذشت نکنند. چون وقتی جسد شهاب پیدا شد، حیوان‌های بیابان قسمت‌هایی از بدنش را خورده بودند و همین باعث شد خانواده‌اش خیلی جرحه‌دار شوند. از کلاس پنجم دبستان سیگار می‌کشیدم. وقتی دبیرستان رفتنم چند بار از روی کنجکای مواد مخدر مصرف کردم و بعد هم گرفتار اعتیاد شدم. بفرم، اما من توان پرداخت دیه را ندارم. اگر می‌توانستم

در این همه سال دیه را پرداخت می‌کردم که آزاد شوم. الان هم به خاطر شرایط کرونا بعد از سال‌ها به قید وثیقه آزاد شدم. البته مبلغی از پیش پرداخت دیه را هم پهنی‌هایم در زندان برام تهیه کردند تا با وثیقه‌ام موافقت شد. مادرم مستاجر و تحت پوشش کمیته امداد است. با همین وضع باید از فرزند من هم نگهداری کند. اما خانواده شهاب باور نمی‌کنند که من وضع مالی خوبی ندارم. خواهرم به تازگی در زمینی که سال‌ها قبل خریده بود خانه ساخته و آنها فکر می‌کنند ما خانواده پولداری هستیم، اما اداری همسر خواهرم به من ربطی ندارد. بده یک پسر ۱۶ ساله دارم. وقتی زندانی شدم همسرم پا به ماه بود. بعد از ده دنیا آمدن پسر، همسرم به خاطر این که در این پرونده گرفتار شدم از من جدا شد. حالا پسرم فقط من را دارد و از وقتی آزاد شدم خیلی به من وابسته شده، تا سسر خیابان هم می‌روم همراه می‌آید. انگار می‌ترسد که من را از دست بدهد.

عاشق فوتبال بودم و مسابقات فوتبال را تلویزیون نگاه می‌کردم. در زندان آرایشگری یاد گرفتم و کار می‌کردم. الان هم دلم می‌خواهد کار کنم تا اگر خانواده شهاب با پرداخت قسطی دیه موافقت کنند، بتوانم دیه رفیقم را پرداخت کنم و آینده پسر را هم بسازم.



از ترس اعدام جنازه دوستم را دفن کردم

تیراندازی خونین ۲ پسر در سعادت آباد

گروه حوادث - ۲ شرور مسلح به خاطر یک دختر در منطقه سعادت آباد دست به اسلحه شدند و به سمت یکدیگر تیراندازی کردند. ساعت ۱۲ ظهر سه شنبه ۷ مرداد امسال مأموران کلانتری ۱۳۳ شهرک غرب در جریان درگیری مسلحانه در منطقه سعادت آباد قرار گرفتند. تیمی از مأموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. بررسی‌های ابتدایی نشان از آن داشت که دو خودروی جک مشکی و سوناتا سفید رنگ اقدام به تیراندازی به سمت یکدیگر کردند و ۲ خودروی پارک شده در کنار خیابان هدف گلوله قرار گرفته است و جوان ۳۵ ساله‌ای که از ناحیه کمر هدف گلوله قرار گرفته بود به بیمارستان منتقل شد. مأموران با حضور در بیمارستان به تحقیق پرداخته و مشخص شد جوان زخمی که در تیراندازی سعادت آباد حضور داشته سوار بر خودروی سوناتا بوده است و خودروی سوناتا نیز در نزدیکی بیمارستان و در حالیکه آثار گلوله روی خودرو بود کشف شد و راننده خودرو نیز که در محل حضور داشت دستگیر شد. راننده در اعترافش گفت: در صحنه تیراندازی در منطقه سعادت آباد حضور داشتم که سهراب هدف گلوله قرار گرفت و او را به بیمارستان منتقل کردیم و از ترس اینکه دستگیر شوم از بیمارستان خارج شدم و داخل خودرو پنهان



محبوبه شوهرش را سر برید

گروه حوادث - زن میانسال که پس از کشتن و منته کردن همسر سابقش، به اتهام قتل عمد دستگیر شد طبق رأی پزشکان سازمان پزشکی قانونی با لحاظ روانی سالم تشخیص داده شد و بزودی در دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه خواهد ایستاد. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۶ و با گزارش یک راننده تاکسی که مدعی بود زنی را با جسدی متله شده به منطقه‌ای در خارج از شهر تهران رسانده است، آغاز شد. راننده تاکسی در توضیحات بیشتر به مأموران گفت: ساعتی پیش زنی میانسال که بسته بزرگی به همراه داشت خودروی من را در دستنی کرایه کرد و باهم به خارج از شهر رفتم. اما هنگامی که به مقصد رسیدیم و قصد داشت بسته را از ماشین خارج کند متوجه شدم که داخل بسته جسد متله شده‌ای قرار دارد و من هم موضوع را به پلیس گزارش دادم. پس از اظهارات راننده تاکسی مأموران به نشانی مورد نظر رفتند و زن میانسالی با نام محبوبه را بازداشت کردند و در همان ابتدا مشخص شد که جسد مربوط به همسر سابقش بوده است و در همان بازجویی‌های اولیه به قتل او اعتراف کرد و گفت: بیست سال پیش به خاطر اعتیاد ابراهیم از هم جدا شدیم و در همه این سال‌ها دخترمان پیش پدرش زندگی می‌کرد. همسر سابقم وقتی موادمصرف می‌کرد رفتارهایش خشونت‌آمیز می‌شد و حتی اجازه نمی‌داد من دخترم را ببینم و همین مسئله باعث شده بود او را متفر شوم. مدت‌ها طول کشید تا موفق شدم ابراهیم را قانع کنم که دخترم را ببینم. پس از اینکه دخترم بزرگتر شد او هم منام هم من می‌گفت که از رفتارهای خشونت‌آمیز پدرش عذاب می‌کشد و ناراحت است. بعد از مدتی برای اینکه دخترم آذیت نشود یک روز در میان به خانه آنها می‌رفتم و کارهایشان را انجام می‌دادم و ابراهیم هم از این کار من استقبال کرد و پیشینه‌ها داد تا مطمئن شوم آنجا زندگی کنم و من هم قبول کردم. او دوباره کارهای گذشته‌اش را شروع کرد و من را مورد ضرب و شتم قرار داد و من هم با توجه به رنج سال‌های که کشیده بودم به

مرد مغازه‌دار را برای

تسویه حساب شخصی دزدیدند

بوژند، مرد بازرینی قرار گرفت و چهره متهمان به دست آمد. اما از آنجایی که پلاک خودرو پوشانده شده بود، مأموران موفق نشدند شماره پلاک خودروی پژو را به دست آورند.

تصویر به دست آمده از متهمان به تمامی واحدهای گشت و متصدیان جایگاه‌های سوخت ارسال شد. بررسی‌ها در این خصوص ادامه داشت تا اینکه مرد جوانی از یکی از جایگاه‌های سوخت تماس گرفت و مدعی شد یکی از متهمان برای سوخت گیری خودرواش به پمپ بنزین آمده است. بلافاصله مأموران راهی جایگاه سوخت شده و در بازرینی دوربین‌های مدار بسته جایگاه سوخت موفق شدند شماره پلاک خودروی متهم فراری را به دست آورند. با استعلام شماره پلاک خودروی پژو، صاحب آن شناسایی و مرد جوان دستگیر شد. مرد، صاحب خودروی پژو در تحقیقات اولیه منکر آدم‌ربایی بود، اما زمانی که در برابر مدارک پلیسی قرار گرفت، به جرم خود اعتراف کرد و گفت یکی از دوستانم به من دستور داد تا شاکلی را برابیم.

مرد جوان ادامه داد: دو ستم از انگیزه‌اش برای این کار حرفی نود، من هم نپرسیدم اما تا آنجایی که از حرف‌هایش می‌شد فهمیدم، با شاکلی اختلاف حساب قدیمی داشتم و می‌خواستم به حش برسد. من هم دو نفر از دوستانم را با خودم همراه کردم. طبق خواسته دو ستم از شاکلی فیلم گرفتیم و با تهدید ۵۰۰ بره‌ها کردیم. در بره‌های سفید امضا گرفتیم و در نهایت او را رها کردیم. ۲۰۰ میلیون پول حساب شاکلی و وسایل با ارزش او را هم به عنوان دستمزد برداشتیم.

با اعتراف مرد جوان، تحقیقات برای دستگیری سایر همدستان مرد و شخصی که دستور آدم‌ربایی را صادر کرده بود، ادامه دارد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

استخدام
خدمات
مفقودی
خرید و فروش و ...

فروش، نصب و تعمیر
انواع اسپلیت، کولر، یخچال‌های خانگی و صنعتی، کولر ماشین، سردخانه، چیلر، داکت، پمپ آب مهندس نجفی ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۶

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

خدمات

استخدام

اصل سند مالکیت یک دستگاه خودرو کیا ریو به رنگ ذغالی مدل ۲۰۱۷ و به شماره انتظامی ۲۳۳۷۸ کیش متعلق به ساسان باوادی فرزند سیروس و به شماره ملی ۰۰۵۶۴۲۳۸۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

اصل برگ سبز خودرو تویوتا کمری مدل ۲۰۱۷ به شماره پلاک ۲۲-۲۲۷۱۴ و شماره موتور ۱۵۶۰۸۱۷ و شماره شاسی ۳۰۰۳۵۳۵ به نام علی ابراهیمی معینی فرزند ابراهیم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

اصل سند شش‌دانگ یک قطعه زمین به شماره قطعه ۹۵ واقع در مجموعه دیدنی ها- اراضی شرقی جزیره کیش به مساحت سیصد متر مربع عرصه و دو بیست وهفده متر و شصت وهفت صدم متر مربع اعیان با کاربری مسکونی با شماره مسلسل ۴۲۲۳۳ و شماره ثبت دفتر ۲۱۶۵۳ و شماره قرارداد ۱۵/۳۰/۹۰-۲۶ به تاریخ ثبت ۱۳۹۳/۵/۱۸ به نام رضا دیاغ همدانی فرزند کاظم به شماره شناسنامه ۶۶۱ صادره از نیشابور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

به یک نفر **مسئول فنی** با مدرک کارشناسی صنایع غذایی یا کارشناس شیمی با گرایش مواد غذایی یا کارشناس کشاورزی با گرایش تولیدی نیازمندیم
آدرس: درخت سبز صنعت ششم قطعه ۹۴ و ۹۶ شرکت اکسیر پارس کیش شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۲۷۹۰

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

خرید ضایعات فلزی در اسرع وقت با بالاترین قیمت
روحي ۰۹۳۴۷۶۹۳۷۵۸

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

به **نیروی خدماتی خانم/آقا** با سواد نیازمندیم
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

شرکت آریا اطلس کیش
دارای مجوز از منطقه آزاد کیش
- حسابداری
- حسابرسی
- بیمه تامین اجتماعی
اظهار نامه اشخاص حقیقی و حقوقی
مشاور مالیات و تامین اجتماعی
آدرس: خیابان ساحل بازار دیپلمات طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹
تلفن مرکز ۰۷۶۴۴۶۱۱۵۱
تلفن همراه ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳

دعوت به همکاری
شرکت ایمن سیستم مبتکران دارکوب کیش
از افراد ذیل دعوت به همکاری می‌نماید
۱. نصاب گریب اتوماتیک و کرکره برقی
۲. نصاب دوربین مدار بسته
آدرس: درخت سبز صنعت سوم پلاک ۲۷
شماره تماس ۰۳ ۴۴۴۷۳۱

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیازمند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می‌شود.

از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می‌پردازد لذا مسئولیتی در باره محتوای آگهی‌ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش‌های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی‌دهندگان به دست آورید.

شهروند گرامی کیش!